



The University of Tehran Press

Criminalization of the Use of Biological Weapons in Terrorist Acts and Armed Conflicts

Masoud Raei¹ | Leila Raisi² | Ali Asghar Aghalar³

1. Corresponding Author; Associate Prof., Department of International Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. Email: masoudraei@yahoo.com, phu@iaum.ac.ir
2. Associate Prof., Department of International Law, Faculty of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Raisi.leila@gmail.com
3. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: a.asghar.a@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 1865-1882</p> <p>Received: 2023/02/19</p> <p>Received in Revised form: 2023/06/11</p> <p>Accepted: 2023/09/11</p> <p>Published online: 2024/09/22</p> <p>Keywords: <i>international criminalism, war crime, crime against humanity, international criminal law, biological weapons.</i></p>	<p>If a biological or harmful toxin agent is used as weapon in armed conflict or terrorist acts, that agent is classified as a biological weapon. Biological weapons, which have a long history of being used in military conflicts, have received special attention from developed states. Due to their unique characteristics, these weapons are considered a serious threat to human health and the peace and security of the international community. The danger of such weapons is greater than nuclear and chemical weapons because they can destroy tens of millions of people in a short term, and the effects can be transferred to future generations. The results of this paper, which uses a descriptive-analytical method, show that under international law, the use of biological weapons in terrorist acts and armed conflicts violates legal rules and disrupts public order. Therefore, the use of such weapons can be criminalized both as a crime against humanity and as a war crime.</p>
How To Cite	Raei, Masoud; Raisi, Leila; Aghalar, Ali Asghar (2024). Criminalization of the Use of Biological Weapons in Terrorist Acts and Armed Conflicts. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (3), 1865-1882. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339218.3033
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.339218.3033
Publisher	The University of Tehran Press.

**جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های زیستی در اقدامات تروریستی و مخاصمات مسلحانه**مسعود راعی^۱ | لیلا رئیسی^۲ | علی اصغر اقالر^۳۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران. رایانامه: phu@iaum.ac.irmasoudraei@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. رایانامه:

Raisi.leila@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. رایانامه:

a.asghar.a@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۸۶۵-۱۸۸۲</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: جرم‌انگاری بین‌المللی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، حقوق بین‌الملل کیفری، سلاح‌های زیستی (بیولوژیک).</p>	<p>چنانچه از عوامل بیولوژیک و سمی زیانبار، به‌عنوان سلاح در درگیری‌های مسلحانه و عملیات تروریستی استفاده شود، آن عامل در زمره سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) قرار می‌گیرد. سلاح‌های زیستی که سابقه‌ای تاریخی جهت به‌کارگیری در اقدامات تروریستی و منازعات نظامی دارند، امروزه به‌طور خاصی مورد توجه کشورهای پیشرفته قرار گرفته است. این سلاح‌ها، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، کاربردشان تهدید جدی برای سلامت انسان و صلح و امنیت جامعه جهانی محسوب می‌شود. خطر این گونه سلاح‌ها بیشتر از خطر سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی است، زیرا قادرند در مدت زمانی کوتاه، موجب نابودی ده‌ها میلیون انسان شوند و عارضه حاصله می‌تواند به نسل‌های بعدی نیز منتقل شود. نتایج این بررسی که با شیوه‌توصیفی - تحلیلی انجام گرفته نشان می‌دهد که از نظر اسناد حقوق بین‌الملل، کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در اقدامات تروریستی و مخاصمات مسلحانه ناقض قواعد آمره و برهم‌زننده نظم عمومی است، از این رو کاربرد این گونه سلاح‌ها، از منظر حقوق بین‌الملل کیفری را می‌توان در قالب جنایات بین‌المللی به‌عنوان مصداقی از جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری کرد.</p>
استناد	<p>راعی، مسعود؛ رئیسی، لیلا، اقالر، علی اصغر (۱۴۰۳). جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های زیستی در اقدامات تروریستی و مخاصمات مسلحانه. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۴ (۳)، ۱۸۶۵-۱۸۸۲</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.339218.3033</p>
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.339218.3033
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

ارتقای دانش بشری و توسعه فناوری، به دلیل عدم رشد همزمان تربیت و اخلاق انسانی با آنکه به نظر می‌رسد جهت رفاه و تقلیل درد و رنج زندگی انسان‌ها مؤثر باشد و برایش فردوس برین را در این جهان مادی به ارمغان آورده باشد. با به کارگیری عوامل نیرومند و مخرب زیستی (بیولوژیک)، چنان جهنم آتشی برای بشر معاصر مهیا کرده است که خواب راحت را از او سلب و اندک آرامشی برای هیچ انسان شرافتمندی باقی نهموده است. سلاح‌ها و فناوری‌های زیستی (بیولوژیک)، پدیده‌های چندوجهی‌اند که تمامی شئون زندگی انسان را در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حتی فرهنگی، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی تحت تأثیر قرار داده و بیشتر از سایر جنگ‌افزارها چه در عرصه مخاصمات مسلحانه و چه در عرصه تروریستی مورد توجه قرار گرفته است. کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، شأن و کرامت انسانی را از بین می‌برد و سبب ایجاد درد و رنج فراوان جسمی و روحی بین انسان‌ها می‌شود. از آنجا که به رغم تمامی تلاش‌ها و جنبش‌های انسان‌دوستانه هنوز بخشی از این روابط به صورت درگیری و مخاصمه نمود دارد، نظام‌های حقوقی ناگزیرند که این روابط و چگونگی اقدام به درگیری و همچنین نوع رفتارهای خصمانه را تنظیم و قاعده‌مند سازند؛ زیرا شواهد تاریخی نشان می‌دهد که عدم کنترل و به کارگیری این گونه سلاح‌ها، بزرگ‌ترین فجایع بشریت را رقم زده است؛ بنابراین بی‌توجهی به این سلاح‌های خطرناک در مرحله اول، تهدیدی علیه سلامت و امنیت انسانی و در مرحله بعدی تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی است. در زمینه کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، کتاب‌ها و مقالات زیادی چه به زبان فارسی و چه به زبان لاتین به نگارش درآمده است که بیشتر این کتاب‌ها و مقالات عوامل بیولوژیک را از بعد پزشکی بررسی کرده‌اند، چراکه عامل بیولوژیک در حوزه پزشکی و بهداشت کاربرد دارد؛ ولی منابعی که از نظر حقوقی، به خصوص حقوق کیفری، کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) را بررسی کرده باشد، چه در زبان فارسی و چه در زبان لاتین محدود است. در این مقاله محقق سعی شده ضمن بیان مبانی جرم‌انگاری سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، در مخاصمات مسلحانه و اقدامات تروریستی می‌تواند به عنوان یک جنایت بین‌المللی قلمداد شود؟ در پاسخ، فرضیه اصلی این است که استفاده از سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) با توجه به آثار مخرب و فجیعی که از خود برجای می‌گذارد، واجد عناصر تشکیل‌دهنده جنایات بین‌المللی است و می‌توان کاربرد آنها را به عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری کرد.

۲. ویژگی‌های سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)

سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فردی که دارند مورد توجه بیشتر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای استعماری قرار گرفته و کاربردشان در مخاصمات مسلحانه و عملیات تروریستی رو به گسترش است. تولید و نگهداری این‌گونه سلاح‌ها آسان است و به‌دلیل طبیعت زنده سلاح بیولوژیک، قابلیت تکثیر شدن دارند که این امر سبب می‌شود به راحتی در هوا پراکنده و خودبه‌خود تکثیر و منتشر شوند و وسعت منطقه آلوده را گسترش دهند. این سلاح‌ها، به دلیل نامرئی بودن و داشتن آثار تأخیری، می‌توانند همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، زیست‌محیطی، غذایی و حتی اخلاقی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار دهند. عملکرد این سلاح‌ها بسیار گسترده است و می‌تواند انسان، حیوانات و محصولات کشاورزی را در برگیرد. این سلاح‌ها، توانایی زیادی برای وارد کردن صدمه به اهداف دارند و برای از بین نبردن نیروهای طبیعت از مقاومت زیادی برخوردارند. این سلاح‌ها، سلاح‌های غیردقیق و کورند و دقت لازم و کافی برای اهداف تعیین شده را ندارند و به کارگیری آنها می‌تواند از اهداف موردنظر فراتر رود (خالقی و نبوی، ۱۳۹۴: ۲۵). این سلاح‌ها، دارای عوارض پیش‌بینی‌ناپذیرند و افراد شخصی در برابر آنها به مراتب آسیب‌پذیرتر از نظامیان هستند. زمان مناسب برای مقابله با این‌گونه سلاح‌ها وجود ندارد و قابلیت پنهان کردن عامل اصلی در این سلاح‌ها وجود دارد. این سلاح‌ها، تأثیرات مخرب و مهلکی بر روی هدف خود دارند و صدمات شدیدی به آنها وارد می‌کنند (موسوی و چهل‌تنی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). به کار بردن سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، آثار فحیعی همچون مرگ‌های دردناک، اپیدمی^۱ و پاندمی^۲ و حشنتاک به‌همراه دارد (شاه‌حسینی، ۱۳۸۱: ۵۹۷). این‌گونه سلاح‌ها، چون قادرند آلودگی گسترده و محدودیت‌ناپذیری ایجاد کنند و سطح وسیعی از انسان‌ها را در برگیرند و از بین ببرند، در عمل اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را زیر سؤال می‌برند و جزو مصادیق سلاح‌های کشتار جمعی محسوب می‌شوند. خاصیت اصلی این نوع سلاح‌ها، این است که در کاربردشان، امکان تفکیک میان افراد، نظامی و غیرنظامی وجود ندارد (دستغیب، ۱۳۹۵: ۳۳). سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، علاوه بر اینکه موجب کشتار وسیعی از انسان‌ها می‌شود، سبب تخریب گسترده و بدون تفکیک اهداف غیرنظامی از جمله محیط زیست طبیعی نیز می‌شود. یکی از عمده‌ترین عوامل تخریب و آلودگی محیط‌زیست عوامل بیولوژیک است که قدرت تخریبی زیادی دارند و آلودگی ناشی از آنها بر روی محیط زیست به‌صورت پایدار باقی می‌ماند. همچنین بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل «به کار بردن شیوه‌ها یا وسایل جنگی که هدف از آنها وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و درازمدت بر محیط‌زیست طبیعی باشد یا

۱. اپیدمی (epidemic)، عارضه یا بیماری عام، بیماری‌ای که به عموم مردم سرایت کرده، مسری و همه‌گیر باشد.

۲. پاندمی (pandemic)، هنگامی که یک بیماری از مرز چند قاره بگذرد، مانند بیماری، اینز یا کرونا، که می‌توان گفت در حال جهانی شدن است.

احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است.^۱ با اوصاف و شرایط بیان شده از سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، می‌توان کاربرد این گونه سلاح‌ها را جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت ارزیابی کرد، زیرا استفاده از این عوامل نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر می‌شود، بلکه میان آحاد ملت، تمایزی قائل نمی‌شود و سبب آسیب‌های جبران‌ناپذیری به انسان‌ها می‌شود؛ بنابراین هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این عوامل نقض جدی و مسلم اصول و قواعد حقوق بشردوستانه، حقوق بشر و حقوق بین‌الملل است و مصداق بارز جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت قلمداد می‌شود.

۳. مبانی جرم‌انگاری سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)

در حال حاضر بخشی از فلسفه حقوق و یکی از مسائل بنیادین در مبانی جرم‌انگاری، تشریح حوزه حقوق کیفری است که متضمن پاسخ‌های اساسی در مورد علت جرم دانستن برخی رفتارهاست. حقوق بین‌الملل کیفری، یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل است که در آن امروزه به تدریج ارزش‌های بشری جایگاه ویژه یافته و حتی در مواقعی بر قوانین حاکمیتی مرجع شناخته شده است. در این شاخه حقوقی شمه‌هایی از الگوهای نوظهور حقوق بین‌الملل دیده می‌شود که متضمن قوانین و مقررات لازم جهت محاکمه و مجازات مجرمان بین‌المللی است. بدون تردید تبیین مبانی جرم‌انگاری رفتارهای ممنوعه در قلمرو حقوق بین‌المللی کیفری نقش مهمی در ایجاد باور به آن دارد و در نهایت موجبات پذیرش و مقبولیت آنها را فراهم می‌آورد. جرم‌انگاری فرایندی است که به وسیله آن رفتارهای خاصی به موجب قوانین کیفری ممنوع و برای آنها مجازات در نظر گرفته می‌شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۷۶). می‌توان گفت که مرحله جرم‌انگاری آخرین گام و همراه با بیشترین الزام حقوقی در فرایند توسعه نظام‌های حقوق جزایی است (Bantekas, 2007: 18). بدین معنی که اقداماتی که مخل نظم عمومی و امنیت اجتماعی و انسانی بوده و خطر تهدید منافع جمعی را به شدیدترین حال به همراه دارند، باید از سوی قانونگذار به‌عنوان یک جنایت شناخته شود و شدیدترین واکنش جمعی در قبال ارتکاب آن صورت پذیرد. از این رو قواعد مربوط به جرم‌انگاری واجد دو ویژگی مهم‌اند، اولاً تعیین‌کننده ویژگی‌های رفتاری هستند که جرم تلقی می‌شود، ثانیاً متضمن تعیین مجازات رفتارهای تشکیل‌دهنده هستند. این دو ویژگی در عرصه قواعد بین‌الملل کیفری نیز مطرح‌اند و در تبیین مفهوم جنایت بین‌المللی و احراز وجود قاعده کیفری بین‌المللی نقش اساسی دارند (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۶۹). در این زمینه حقوق بین‌الملل توانسته است برخی اقداماتی را که به نظر جامعه بین‌المللی دارای مؤلفه‌های لازم برای جنایت تلقی شدن است، به‌عنوان جنایت بین‌المللی به رسمیت بشناسد، از جمله کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک).

۱. بند ۳ ماده ۳۵، پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ میلادی

کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، از این حیث که علیه بشریت ارتکاب می‌یابد و در تعارض با اصول و قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه شناخته شده نزد ملل متمدن و کنوانسیون‌های بین‌المللی است، از این رو جنایت کاربرد این گونه سلاح‌ها حائز جنبه بین‌المللی دارد و موضوع حقوق بین‌الملل کیفری است. مسئله جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی را می‌توان در دو حالت کلی بررسی کرد که عبارت‌اند از:

۴. جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی مستقل

این نوع جرم‌انگاری روی ماهیت سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) تأکید دارد و نفس کاربرد خود سلاح زیستی (بیولوژیک) در قالب یک فعل مستقل و صرف نظر از آثار آن در استفاده‌های خاص و موردی، یک جنایت بین‌المللی قلمداد می‌شود. بدین معنی که سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، ماهیتاً همیشه ناقض قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است و نیازی نیست که برای جنایت تلقی شدن کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در هر مورد به ارزیابی رعایت یا نقض قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پرداخته شود. جرم‌انگاری مستقل کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، نیازمند انطباق کاربرد این گونه سلاح‌ها با ملاک‌های احراز وقوع جنایات بین‌المللی است. جنایات بین‌المللی، اصولاً رفتارهایی هستند که ناقض قواعد آمره بین‌المللی هستند و بر اثر این نقض نظم عمومی بین‌المللی برهم می‌خورد؛ بنابراین دو معیار اصلی در احراز وقوع جنایات بین‌المللی نقش دارند؛ نقض قواعد آمره و برهم خوردن نظم عمومی بین‌المللی که این امر می‌تواند در خصوص روند جرم‌انگاری سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) نیز صادق باشد. البته در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری، صرف نقض قواعد آمره و برهم خوردن نظم عمومی بین‌المللی، دلیلی برای جنایت تلقی شدن یک رفتار نیست. به‌عبارت دیگر به محض تحقق معیارهای احراز وقوع جنایت بین‌المللی در خصوص رفتاری، آن رفتار به‌خودی‌خود یک جنایت بین‌المللی تلقی نمی‌شود؛ بلکه وجود این معیارها تنها شرط لازم برای جنایت تلقی شدن رفتار به‌خصوص است، ولی شرط کافی نیست، چراکه علاوه بر این موارد باید عناصر تشکیل‌دهنده جنایت بین‌المللی در خصوص آن رفتار وجود داشته باشد. بدون وجود چنین امری نمی‌توان از مفهوم جنایت بین‌المللی در خصوص آن رفتار صحبت کرد. برای آنکه در حقوق بین‌المللی کیفری پدیده‌ای جرم تلقی شده و منجر به مسئولیت کیفری فردی شود، باید آن عمل شامل یک فعل یا ترک فعل (عنصر مادی) باشد و همراه با قصد، بی‌احتیاطی یا غفلت شدید (عنصر معنوی) مرتکب باشد و اینکه عمل مزبور در مجموعه قواعد کیفری یک جرم تلقی شده و غیرقانونی اعلام شده باشد (عنصر قانونی).

همچنین در عرصه بین‌المللی کاربرد سلاحی، نمی‌تواند به‌عنوان عمل مجرمانه قلمداد شود، مگر آنکه کاربرد آن سلاح به موجب یک معاهده بین‌المللی ممنوع شده باشد. جرم‌شناسان اغلب جرم را رفتاری

می‌دانند که توسط قانونگذار جرم‌انگاری شده باشد (هاومن و سمولرز، ۱۳۹۶: ۳۸)؛ از این رو جرم‌انگاری تنها زمانی می‌تواند مطرح شود که کاربرد سلاحی نقض کیفری در چارچوب نظم حقوقی از پیش موجود باشد. یک سلاح ممکن است به دو طریق ممنوع و غیرقانونی اعلام شود: ۱. با اتخاذ یک معاهده ممنوعیت ویژه، ۲. به سبب استفاده ضرورتاً مغایر با قواعد حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی (خارج از چارچوب معاهده). فرق میان این دو نوع جرم‌انگاری در این است که سلاحی که از طریق یک معاهده ممنوعیت ویژه، غیرقانونی اعلام می‌شود منع استفاده از آن تنها برای کشورهایی که آن معاهده خاص را تصویب کرده‌اند، الزام‌آور است. اما سلاحی که با اجرای قواعد حقوق بین‌الملل عام (از جمله قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه)، غیرقانونی قلمداد می‌شود، برای همه کشورهای غیرقانونی است؛ حتی اگر در این خصوص یک معاهده‌ای خاصی وجود داشته باشد که تمامی کشورها آرا تصویب نکرده باشند (7: Bein & Parker, 2003). از آنجا که سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، به طور مستقل بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جرم‌انگاری نشده، بیشتر جرم‌انگاری غیرمستقل و مصادیق کاربرد این گونه سلاح‌ها تحت عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت توضیح داده شده است.

۵. جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) به عنوان یک جنایت بین‌المللی غیرمستقل

کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، صرف‌نظر از ماهیتی که دارند، در شرایطی می‌توانند بر اساس اینکه ناقض یک سری از قواعد حقوق بین‌الملل هستند، به طور غیرمستقل یک جنایت بین‌المللی قلمداد شوند. در واقع در چنین وضعیتی نفس کاربرد سلاح بیولوژیک یک جنایت بین‌المللی قلمداد نمی‌شود؛ بلکه تنها از روی آثار و شرایط خاص ناشی از کاربرد آنها، می‌تواند در قالب سایر اشکال جنایات بین‌المللی دیگر، همچون جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌کشی قلمداد شود. این نوع جرم‌انگاری، جرم‌انگاری غیرمستقل است، چراکه کاربرد سلاح زیستی (بیولوژیک)، تنها از آنجایی که به آثار ویژه‌ای منجر می‌شود که جزء عناصر تشکیل‌دهنده جنایات است، یک جنایت تلقی می‌شود. در چنین وضعیتی کاربرد آنها تنها وسیله مادی ارتکاب سایر جنایات بین‌المللی است. این نوع جرم‌انگاری هم در وضعیت جنگ و هم در وضعیت صلح قابل تحقق است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۸۴). از فهرست ۲۵ گانه جنایات بین‌المللی مندرج در اسناد بین‌المللی، کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) می‌تواند در قالب تعداد متعددی از آنها به عنوان مصادیق از یک جنایت بین‌المللی مطرح شود که در اینجا فقط دو مورد که بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی جرم‌انگاری شده است، بررسی می‌شود.^۱

۱. شریف باسیونی، از متخصصان برجسته حقوق بین‌المللی کیفری تاکنون ۲۵ جنایت بین‌المللی را احصا کرده است که عبارت‌اند از: تجاوز، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی، جنایت علیه سازمان ملل و اعضای آن، تصرف یا

۵.۱. کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) به عنوان یک جنایت بین‌المللی غیرمستقل در وضعیت جنگ

یکی از مهم‌ترین جنایات در شرایط جنگ مندرج در اسناد بین‌المللی، جنایات جنگی است. جنایات جنگی، جنایاتی هستند که ارتکاب آنها نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی ناظر بر درگیری‌های مسلحانه را در پی دارد. این جنایات که مغایر با حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه‌اند، سه اصل اساسی «ضرورت»^۱، «مروت»^۲ و «انسانیت»^۳ را زیر پا می‌گذارند. به موجب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان سند نهایی دربرگیرنده تعریف جنایات جنگی، این جنایات در سه دسته عمده قرار می‌گیرند؛ دو دسته اول مربوط به جنایات جنگی ارتكابی در جریان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است و دسته سوم مخاصمات مسلحانه داخلی را در برمی‌گیرد که شامل نقض‌های فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهار گونه ژنو و دیگر قوانین و عرف‌های قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است (باباخانی، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

در بین قواعد حقوق بشردوستانه، یک سری اصولی وجود دارد که دارای اهمیت و اقتدار خاصی است. این اصول معرف ساختار حقوقی، حقوق بشردوستانه‌اند که ریشه در اصل کرامت انسانی و انسانیت دارند. محور اصلی این اصول تقدم و اولویت بشر است و حرمت انسان‌ها و حمایت از آن است که اهمیت آنها را تا شأن قواعد آمره ارتقا داده است. این اصول جهانشمول بوده و حمایت از آن هدف اصلی حقوق بشردوستانه است (فلسفی، ۱۳۷۰: ۵۸). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در سال ۱۹۴۹ میلادی در ماهیت رأی کانال کورفو «ملاحظات اساسی بشردوستانه» را به‌عنوان اصول کلی به رسمیت شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل عمومی عنوان می‌کند؛ همچنین دیوان به تفصیل در دو نظریه مشورتی خود در قضایای «مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای» (۱۹۹۶) و مشروعیت «ساخت دیوار حائل در اراضی اشغالی فلسطین» (۲۰۰۴) و رأی توافقی خود در قضیه «فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو» (۲۰۰۵) به موضوعات بشردوستانه پرداخته است (رضوی فرد و نوروزی، ۱۳۹۶: ۳). دیوان، اصول تفکیک، منع کاربرد سلاح‌های غیرقابل تمییز، منع ایجاد درد و رنج غیرضروری بر رزمندگان و نامحدود نبودن حق دولت‌ها در انتخاب روش و کاربرد تسلیحات را به‌عنوان اصول بنیادین تشکیل‌دهنده زیربنای حقوق

استفاده غیرقانونی از سلاح‌ها، سرقت مواد هسته‌ای، مزدوری، آپارتاید، برده‌داری، شکنجه، آزمایش‌های غیرقانونی روی انسان، دزدی دریایی، هواپیماری، اعمال غیرقانونی علیه دریانوردی، اعمال غیرقانونی علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی، گروگانگیری افراد غیر نظامی، اعمال غیرقانونی علیه پست، قاچاق مواد مخدر، تخریب یا سرقت منابع ملی، اعمال غیرقانونی علیه محیط زیست، قاچاق و توزیع بین‌المللی اشیای شهوت‌انگیز، قطع کابل‌های زیردریایی بین‌المللی، ارتشای مأموران دولتی خارجی (Bassiouni, 1999: 47).

1. Necessity
2. Chivarly
3. Humanity

بشردوستانه برمی‌شمارد (البرزی ورکی، ۱۳۸۳: ۵۸؛ ICJ, Advisory Opinion, 1996). علاوه بر این، قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه برای همه کشورهای، صرف‌نظر از اینکه آنها کنوانسیون‌های شامل آن مقررات را تصویب کرده‌اند یا نه الزام‌آور است. به سبب اینکه قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه، اصول تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل می‌دهند. حمایت کامل‌تر از ماهیت تخطی‌ناپذیر اصول و قواعد حقوق بشردوستانه در بند ۵ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ میلادی نیز صورت گرفته است. مقررات این معاهده در خصوص شرایط خاتمه یا تعلیق معاهدات درباره معاهدات حقوق بشردوستانه اعمال نمی‌شود. در نهایت آنچه مسلم است این است که اصول حقوق بشردوستانه، از نظر گستره، عام‌الشمول و از حیث درجه اولویت و قدرت الزامی، در زمره قواعد آمره هستند (ساعد، ۱۳۸۶: ۲۵۹).

اصولاً یکی از انواع بارز و برجسته که موجب نقض قواعد مختلف حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه می‌شود و می‌تواند جنایت جنگی به‌شمار رود، استفاده از سلاح‌های ممنوعه از جمله سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) است که این ممنوعیت خود از ویژگی‌های مخرب و فاجعه‌بار این گونه سلاح‌ها ناشی می‌شود؛ بنابراین نقض شدید قوانین و عرف‌های قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، جنایت جنگی است و در نهایت به مسئولیت کیفری فردی منجر می‌شود. همان‌طور که شعبه استیناف دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان داشته که جنایات جنگی باید، ۱. شامل نقض یک قاعده حامی ارزش‌های مهم باشد و آثاری فاحش برای قربانی به‌بار آورد؛ ۲. نقض باید تخلف از یک قاعده حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد؛ ۳. قاعده باید ماهیتاً عرفی باشد یا چنانچه مربوط به حقوق قراردادی است، باید شرایط لازم را داشته باشد؛ ۴. به موجب حقوق عرفی یا قراردادی، نقض قاعده باید به مسئولیت کیفری فردی شخص خاصی منجر شود. به عبارت دیگر رفتار تشکیل‌دهنده یک نقض جدی حقوق بین‌الملل باید جرم‌انگاری شده باشد (باباخانی، ۱۳۸۷: ۱۵۲؛ سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۴: ۷۹).

برای اینکه جرائم کیفری به جنایت جنگی منجر شود، باید ارتباطی میان عمل مزبور با یک مخاصمه مسلحانه وجود داشته باشد. به عبارت دیگر برای اینکه کاربرد سلاحی به جنایت جنگی منجر شود، آن سلاح بایستی در چارچوب مخاصمات مسلحانه به کار گرفته شود. البته تا مدت‌ها نقض حقوق بشردوستانه ارتكابی در جنگ‌های داخلی جنایت بین‌الملل محسوب نمی‌شد، اما در سال ۱۹۹۵ میلادی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ عنوان کرد که استفاده از سلاح‌هایی که موجب درد و رنج بیهوده می‌شوند، به مسئولیت کیفری فردی منجر می‌شود، خواه این امر در یک مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا در مخاصمات مسلحانه داخلی رخ داده باشد (Cassese, 2008: 88).

در ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری فهرست کامل جنایات جنگی نام برده شده است^۱، بنابراین

۱. این جنایات عبارت‌اند از: کشتار عمدی. رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش‌های زیست‌شناختی. فراهم آوردن موجبات رنج

اگر کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در یک مخاصمه مسلحانه به نتایج نامبرده در ماده ۸ اساسنامه منجر شود، صرف نظر از ماهیت آن سلاح و اینکه آیا سلاح مزبور یک سلاح ممنوعه است یا نه، یک جنایت جنگی قلمداد می‌شود. در چنین وضعیتی سلاح بیولوژیک به عنوان یک جنایت بین‌المللی غیرمستقل مطرح بوده و تنها عنصر مادی جرم برای ارتکاب یک جنایت جنگی است. در این شرایط کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) می‌تواند مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد. همچنین بر اساس شق هفدهم جزء «ب» بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، کاربرد سم یا جنگ‌افزارهای سمی که این حکم عیناً از بند «الف» ماده ۲۳ کنوانسیون لاهه برگرفته شده است، مصداقی از جنایت‌های جنگی است (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۲۵). کلمه سم، در واژه‌نامه انگلیسی بین‌المللی کمبریج، ماده‌ای است که در صورت مواجهه با یک موجود زنده، به خصوص بدن یک شخص یا حیوان سبب بیماری یا مرگ شود؛ بنابراین منظور از کاربرد سم یا سلاح‌های سمی، ابزار جنگی سمی است که در نهایت موجب صدمه و آسیب شدید به جسم قربانی یا موجب مرگ وی شود (واحدی، ۱۳۸۹: ۶۱). قدمت این ممنوعیت حداقل به آخرین سال‌های قرون وسطی باز می‌گردد و احتمالاً کهن‌ترین ممنوعیت یک ابزار جنگی در حقوق بین‌الملل است؛ بنابراین می‌توان گفت که معنای عادی کلمه سم از سوی کمیسیون مقدماتی دیوان مورد پذیرش قرار گرفته است. ممنوعیت اخیر مطلق است، بدین مفهوم که سمی کردن به صرف هشدار به دشمن مبنی بر استفاده از سم، مثلاً با اعلام اینکه آب سمی شده است، مشروعیت نمی‌یابد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۳۲۵). همچنین بر اساس شق هجدهم جزء «ب» بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازها و کلیه مایعات مواد یا وسایل مشابه ممنوع بوده و کاربردشان می‌تواند به جنایت جنگی منجر شود. ممنوعیت اخیر، عیناً از پروتکل ۱۹۲۵ میلادی ژنو راجع به منع

عظیم یا صدمه شدید بر جسم یا سلامتی. تخریب گسترده اموال که ضرورت‌های نظامی آن را توجیه نمی‌کند و به صورت غیرقانونی و خودسرانه انجام شده است. هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیرنظامی در کلیت آن که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند. هدایت عمدی حملات بر ضد اهداف غیرنظامی. هدایت عمدی حملات بر ضد کارکنان، تأسیسات، مواد، واحدها و مسائل نقلیه‌ای که در کمک‌رسانی بشردوستانه یا مأموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند. انجام حمله عمدی با علم به اینکه چنین حملاتی موجب تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت به مجموعه مزیت نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است. حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌هایی که بی‌دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند. هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری و علمی یا خیریه اختصاص یافته‌اند و حمله به آثار تاریخی و ساختمان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها؛ مشروط بر آنکه آن مکان‌ها اهداف نظامی نباشند. تخریب اموال دشمن، مگر آنکه ضرورت‌های جنگی چنین تخریبی را ایجاب کند. هدایت عمدی حملات علیه ساختمان‌ها، مواد، واحدها، وسایل نقلیه پزشکی و افرادی که نشانه‌های مشخصه کنوانسیون‌های ژنو را مطابق حقوق بین‌الملل به کار می‌برند.

استعمال گازهای خفه‌کننده و سمی یا دیگر گازها و همچنین، روش‌های جنگی میکروبی برگرفته شده است. گاز، مواد یا ابزار به کارگرفته شده باید به گونه‌ای بوده باشد که خواص خفه‌کننده یا مسموم‌کننده آن به طور معمول موجب مرگ یا صدمات شدید به سلامتی شود (محمدنسل، ۱۳۸۵: ۲۴۹). عناصر تشکیل‌دهنده جرائم که به تصویب کمیسیون مقدماتی دیوان رسیده است. در مورد این جرم، اجماًلاً مقرر می‌دارد که اولاً مرتکب باید گاز یا ماده یا سلاحی را به کار برده باشد که ماده جدیدی با استفاده از آن آزاد شود، ثانیاً این ماده به گونه‌ای باشد که با گذشت زمان به واسطه خواص سمی خود به مرگ یا صدمه جدی نسبت به سلامتی فرد منتهی شود، ثالثاً مرتکب با آگاهی به اوضاع و احوال عینی موجد مخاصمه مسلحانه مرتکب جنایت شده باشد (دورمن و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰۰).

در کل می‌توان گفت که ممنوعیت استفاده از سم و سلاح‌های سمی (سلاح‌های بیولوژیک)، یک قاعده دیرپای حقوق بین‌الملل عرفی است که در گذشته، در کد لیبِر^۱ و مقررات لاهه^۲ به رسمیت شناخته شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظریه مشورتی مشروعیت تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای مورخ ۱۹۹۶ میلادی، ماهیت عرفی ممنوعیت استفاده از سم و سلاح سمی (سلاح‌های زیستی) را تأیید کرده است. ممنوعیت یادشده در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی صریحاً در اسناد مذکور مطرح نشده، اما رویه غالب کشورهای، زمینه را برای عرفی تلقی کردن این قاعده فراهم کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

۵.۲. کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) به عنوان یک جنایت بین‌المللی غیرمستقل در وضعیت صلح

کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) منحصر به مخاصمات مسلحانه نیست، چراکه استفاده از سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در شرایط صلح و در عملیات تروریستی نیز قابل استفاده است. در چنین مواردی نیز کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) می‌تواند در قالب جنایات بین‌المللی جلوه‌گر شود. یکی از مهم‌ترین جنایات در شرایط صلح مندرج در اسناد بین‌المللی، جرم جنایت علیه بشریت است. بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «منظور از جنایت علیه بشریت، حمله گسترده و سازمان‌یافته با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی است که با علم و آگاهی به آن ارتکاب می‌یابد (واحدی، ۱۳۸۹: ۴۵). منظور از حمله، در تعریف جرم جنایت علیه بشریت، برخورد و رفتاری است

۱. کد لیبِر (Lieber code)، در سال ۱۸۶۱ فرانسیس لیبِر، استاد آلمانی - آمریکایی علوم سیاسی و حقوق در دانشگاه کلمبیا، نیویورک از طرف لینکلن رئیس‌جمهور آمریکا، نظامنامه‌ای بر مبنای حقوق بین‌الملل تنظیم کرد که برای نخستین بار در سال ۱۸۶۳ میلادی، به اجرا گذاشته شد و در جنگ داخلی برای نیروی زمینی ایالات متحده لازم‌الاجرا بود.

۲. ماده ۲۳ کنوانسیون ۱۹۰۷ میلادی لاهه

که دربرگیرنده اقدامات خشونت‌بار باشد. این اقدامات شامل هرگونه بدرفتاری و آسیب رساندن به یک جمعیت غیرنظامی و متضمن مصادیق مختلفی است. نکته شایان ذکر این است که منظور از حمله، صرفاً حمله نظامی نیست، بلکه سایر اقدامات مجرمانه که با هدف ضدیت بر ضد جمعیت غیرنظامی همراه باشد نیز مصداق جرم جنایت علیه بشریت است. همان‌طور که یک یهودی گشتاپو که در دوران رایش سوم، اجرای بخشی از محروم کردن یهودیان آلمانی را از جهت فرهنگی و اقتصادی بر عهده داشت، به‌عنوان ارتکاب جرم علیه بشریت محکومیت یافت (ورله، ۱۳۸۷: ۶۶). همچنین، واژه گسترده به معنی تعرض به جمع کثیری از افراد است. معیار گستردگی، عاملی کمی جرم است که توسط تعداد قربانیان تعیین می‌شود (نعمتی، ۱۳۹۹: ۱۳۷) و سازمان‌یافته بودن ناظر بر جنبه کیفی جرم است و متضمن این نکته است که این حمله تصادفی نباشد، بلکه بر اساس یک برنامه یا سیاست از پیش تدوین‌شده انجام گیرد (واحدی، ۱۳۸۹: ۴۶). در نتیجه برای تحقق جنایت علیه بشریت سه عنصر، گستردگی و سازمان‌یافته بودن، وقوع علیه جمعیت غیرنظامی و علم به ماهیت آن لازم است. همچنین اگر مصادیق مقرر در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را به‌طور کلی در نظر بگیریم، خواهیم دید که یک فعل مجرمانه، عنصر ضروری مشترک در بین تمامی جنایات بر ضد بشریت است. این فعل مجرمانه می‌تواند هم به لحاظ ماهیت و هم از حیث ویژگی‌های خود یک رفتاری غیرانسانی باشد که سبب صدمه جدی به سلامت جسم یا روح فرد می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که مبنای جرم‌انگاری جنایت علیه بشریت تجاوز به اصول انسانیت و تخطی از رفتار انسانی است (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۲۵۱). حال با توجه به مطالب مذکور، آیا می‌توان کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در اقدامات تروریستی (بیوتروریسم) را یک جنایت علیه بشریت محسوب کرد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید بیوتروریسم را تعریف کرد. بر اساس تعریف پلیس بین‌الملل در سال ۲۰۰۷ میلادی، بیوتروریسم عبارت است از: «منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی باهدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به‌منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی» (یک‌رنگی و واحدی، ۱۳۹۸: ۱۶۵؛ دریایی، ۱۳۹۴: ۱۰). با توجه به این تعریف می‌توان گفت که عنصر مادی تشکیل‌دهنده جرم بیوتروریسم که از آثار کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در اقدامات تروریستی حاصل می‌شود، عبارت‌اند از: آسیب رساندن به انسان‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و ایجاد ترس، وحشت، رعب و هراس و ناامنی در بین افراد یا گروه‌های معین یا عموم مردم. آنچه ترس و وحشت موجود در بیوتروریسم را از وحشت و ترسی که در سایر جرائم برای قربانی به‌وجود می‌آید، تفکیک می‌کند آن است که در جرائم دیگر، ایجاد ترس و وحشت، عنصر مادی و هدف اصلی جرم نیست، بلکه به‌طور فرعی و ثانوی از اعمال او ناشی می‌شود. به‌طور مثال، سارقی که به طرف قربانی حمله کرده و جیب او را خالی می‌کند یا به زور سلاح، کیف او را می‌رباید نیز ایجاد ترس

می‌کند؛ ولی چنین سارقی تروریست محسوب نمی‌شود، زیرا هدف او ایجاد ترس نبوده، بلکه ربودن مال قربانی است. اما در اقدامات بیوتروریستی، ایجاد ترس و وحشت هدف اصلی جرم محسوب می‌شود. در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری فهرست کامل جنایات علیه بشریت نام برده شده است^۱، بنابراین اگر کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) به نتایج نامبرده در ماده ۷ اساسنامه منجر شود، بدون نظر گرفتن ماهیت آن، کاربرد آن یک جنایت علیه بشریت قلمداد می‌شود. در چنین وضعیتی سلاح بیولوژیک به عنوان یک جنایت بین‌المللی غیرمستقل مطرح بوده و تنها عنصر مادی جرم برای ارتکاب جنایت علیه بشریت کافی است. در این شرایط کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) می‌تواند مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد؛ بنابراین اولین شرط تحقق جرم جنایت علیه بشریت، عنصر مادی آن است که مرتکب یکی از رفتارهای پایه این جرم را انجام دهد. در آرای صادره از دادگاه‌های کیفری، همچون دادگاه یوگسلاوی سابق، رواندا و دیوان بین‌المللی کیفری، عنصر مادی این جرم، ارتکاب یکی از جرائم پایه در چارچوب یک حمله گسترده یا سازماندهی شده است که البته برخی دادگاه‌ها هر دو شرط گستردگی و سازماندهی شده را با هم لازم می‌دانند و برخی دیگر با پیروی از حقوق بین‌المللی عرفی وجود هریک از آن دو را کافی دانسته‌اند.

با بررسی و تحلیل عناصر مادی جرم، جنایت علیه بشریت و بیوتروریسم، می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه در این جرائم مورد هدف قرار می‌گیرد و تهدید می‌شود، حیات انسان است. حیات انسان، ارزشمندترین دارایی انسان است و صیانت از این دارایی بی‌همتا یکی از ضروریات است. حیات انسان با مسائل و عناصر گسترده‌ای پیوند خورده که یکی از این عناصر که با حیات انسان ارتباط مستقیم دارد، مسئله سلامتی است. سلامتی انسان، یکی از لوازم اولیه برخورداری از حیاتی شرافتمندانه محسوب می‌شود و در عین این که برای بهره‌مندی از دیگر حق‌ها و آزادی‌ها ضرورت دارد، تحقق و بهره‌مندی از خود این حق نیز در گرو وجود عنصر دیگری همچون امنیت است (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۲: ۴۸). امنیت انسانی، متضمن برخورداری از یک زندگی سالم، استاندارد و مناسب است و در وسیع‌ترین مفهوم به معنای مطمئن بودن هر فرد انسانی به حفاظت و حمایت از موجودیت و شخصیتش در برابر تمامی

۱. این جرائم عبارت‌اند از: قتل عمدی، نابودسازی، به بردگی گرفتن، بیرون راندن یا انتقال اجباری یک جمعیت، حبس کردن یا دیگر اشکال ایجاد محدودیت شدید نسبت به آزادی رفت‌وآمد در تخطی از قواعد اساسی حقوق بین‌الملل، شکنجه، هتک ناموس به عنف، برده‌گیری جنسی، به فحشا واداشتن، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، یا هر شکل دیگر تعرض جنسی قابل قیاس با این موارد: زجر و آزار هر گروه یا جمع شناسایی‌پذیر به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا سایر زمینه‌هایی که در سراسر جهان غیرمجاز بودن آنها به موجب حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده و مرتبط با هریک از اعمال یادشده در بند ۱ ماده ۷ یا هر جنایت دیگری است که تحت صلاحیت دیوان قرار دارد، ناپدیدسازی اجباری اشخاص، جنایت جداگری، سایر اعمال غیرانسانی با خصیصه مشابه که عمداً سبب رنج فراوان، یا صدمات جدی به جسم یا سلامت روحی و جسمی می‌شود.

اشکال خشونت، بدرفتاری و اعمال غیرانسانی و رهایی از نیاز و هراس و زندگی همراه با کرامت است و دارای چهار ویژگی اصلی است که عبارت‌اند از: ۱. امنیت انسانی، دغدغه‌ای است جهانی که به هر شخص و در هر جایی مربوط می‌شود؛ ۲. عناصر آن به هم پیوسته‌اند و تهدید به آن در یک قسمت از جهان سایر قسمت‌های عالم را نیز متأثر می‌کند؛ ۳. پیشگیری قبلی از تهدید علیه این امنیت از مداخله بعدی برای برقرار ساختن آن سهل‌تر است؛ ۴. دارای مفهوم «فردمحور»^۱ است (آرش‌پور و جعفری، ۱۳۹۴: ۸۶؛ تیگروم، ۱۳۸۹: ۲۳). می‌توان گفت که اصل امنیت انسانی، از اصول مشترک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است و دارای ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی است؛ بنابراین امنیت انسانی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، شامل توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، حمایت از محیط زیست، خلع سلاح، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون است (امامی و شوپای‌جویباری، ۱۳۹۵: ۵۸).

امنیت انسانی هفت مقوله اصلی و مهم از جمله امنیت غذایی (دسترسی به غذای سالم)، امنیت بهداشتی و سلامت (حق بر سلامت و حمایت از بیماران)، امنیت شخصی (حمایت فیزیکی در برابر شکنجه، جنگ و حملات جنایی)، امنیت اجتماعی (بقای فرهنگ‌های سنتی)، امنیت اقتصادی (رهایی از فقر)، امنیت سیاسی (آزادی و رهایی از سرکوب سیاسی) و امنیت زیست‌محیطی (حمایت در برابر آلودگی‌ها) را در برمی‌گیرد (تاموشات، ۱۳۹۱: ۱۵۰؛ فلاحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۱). از حیث هر یک از ابعاد مختلف مادی و معنوی نیز مقررات مختلفی در اسناد حقوق بشری برای تضمین امنیت انسانی مقرر شده‌اند که برای نمونه در این زمینه می‌توان به ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره)، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و به‌طور خاص کنوانسیون بین‌المللی ضد شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز (۱۹۸۵)، اشاره کرد که جهت صیانت از امنیت انسانی به تصویب رسیده‌اند. در نتیجه بر اساس اسناد فوق هر کس، حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و با هیچ‌کس نمی‌توان رفتاری ظالمانه یا برخلاف شأن انسانی رفتار کرد. با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که سلامتی و امنیت، سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش‌شرط هرگونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید؛ از این رو حق حیات، شایسته سلامتی، امنیت، آزادی و هرگونه رفتار ظالمانه برخلاف شأن انسانی افراد است و ممنوع است.

بنابراین، استفاده از سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در اقدامات تروریستی در تمامی ابعاد آن نقض حقوق بشر محسوب می‌شود و بیوتروریسم، به‌طور خاص ناقض یکی از حقوق بنیادین آن یعنی حق بر سلامتی است که به لطمه، آسیب و صدمه شدید به تمامیت جسمانی و روانی افراد غیرنظامی منجر می‌شود و در

ابعاد بسیار گسترده آسیب‌های غیرانسانی وارد می‌سازد که این آسیب‌ها سبب ایجاد درد و رنج فراوان جسمی و روانی افراد می‌شود، به طوری که وجدان جامعه بشری به هیچ وجه آنها را قبول ندارد. از سوی دیگر کاربرد این گونه سلاح‌ها می‌تواند تماماً سازمان یافته و متعاقب یک طرح منظم و با قاعده و بر مبنای سیاست مشترک باشد. از این رو استفاده از سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در اقدامات تروریستی می‌تواند به شرط تحقق پیش شرط‌های لازم، جنایت علیه بشریت قلمداد شود؛ همچنین اگر کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه قومی، ملی، مذهبی یا نژادی نیز همراه شود، در آن صورت جنایت نسل‌کشی نیز تلقی می‌شود (فلاح سیاه‌خاله‌سر و فضایی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

۶. نتیجه

با توجه به اسناد بین‌المللی در خصوص ممنوعیت و جنایت‌کارانه بودن به کارگیری سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، مشخص می‌شود که مبنای ممنوعیت به کارگیری این گونه سلاح‌ها می‌تواند بر اصول متعددی مانند اصل حمایت از کرامت انسانی، اصل حمایت از غیرنظامیان و اصل حمایت از محیط زیست متکی باشد. علاوه بر این، عدم مشروعیت استفاده از سلاح‌های زیستی (بیولوژیک)، برخاسته از اصول اخلاقی و انسانی نظیر اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، اصل منع ایراد و تحمیل درد و رنج بیهوده‌ای است که اصول یادشده در اسناد مختلف حقوق بین‌الملل به صورت‌های مختلف نمود یافته است که در کل تشکیل دهنده اصول جامع ناظر بر حقوق مخاصمات مسلحانه و عملیات تروریستی است و برای نیل و دستیابی به این اهداف عالی اخلاقی و انسانی لازم است در عمل گام‌های بلند و استواری در صحنه بین‌المللی برداشته شود. از نظر قانونی نیز عدم کاربرد و ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) مستند به کنوانسیون متعددی است که کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) را ممنوع اعلام کرده‌اند، مانند کنوانسیون منع سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) (۱۹۷۲) و بندهای متعددی از ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، نظیر شق هفدهم و هجدهم و قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت است^۱ که استفاده از سم و سلاح‌های سمی (بیولوژیک) و گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازها و همه مایعات مواد یا وسایل مشابه ممنوع است. از این رو باید کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) در مخاصمات

۱. دو عامل نگران‌کننده، به تصویب این قطعنامه منجر شده است، یکی تروریسم و دیگری گسترش سلاح‌های بیولوژیک. این قطعنامه به‌صراحت از دولت‌ها درخواست می‌کند به کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه در خصوص منع سلاح‌های کشتار جمعی بپیوندند و از طریق قانونگذاری و ایجاد کنترل‌های ملی مانع، تولید، کسب، مالکیت، توسعه، انتقال یا استفاده از سلاح‌های بیولوژیک، شیمیایی و هسته‌ای و وسایل پرتاب آنها، توسط بازیگران غیردولتی، تروریست‌ها و قاچاق‌چیان بازار سیاه شوند.

مسلحانه، جنایت جنگی و در اقدامات تروریستی جنایت علیه بشریت تلقی شود؛ چراکه با فرض ابتنای حقوق بین‌الملل بر ارزش‌های بشری و تضمین و تأمین منافع بشریت، کاربرد سلاح‌های زیستی (بیولوژیک) با آن همه آثار منفی اجتناب‌ناپذیر برای حیات و بقای بشری، نه تنها نمی‌تواند مجاز باشد؛ بلکه به دلیل نقض بسیاری از اصول و قواعد آمره بین‌المللی و برهم زدن نظم عمومی و امنیت انسانی و ایجاد جراحات اضافی یا درد غیرضروری، باید جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت قلمداد شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. امامی، مسعود و شوپای جویباری، رمضالی (۱۳۹۵). *دانشنامه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. تهران: میزان.
۲. تاموشات، کریستیان (۱۳۹۲). *حقوق بشر*. ترجمه و نگارش حسین شریفی طراز کوهی، چ دوم. تهران: میزان.
۳. تیگرشتروم، باربارافن (۱۳۸۹). *امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل*. ترجمه اردشیر امیراجمند و حمید قنبری، تهران: مجد.
۴. دریایی، محمد (۱۳۹۴). *بیوتروریسم در طب غربی*. تهران: آرمان رشد.
۵. دستغیب، محمدرضا (۱۳۹۵). *تسلیحات کشتار جمعی از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. ج ۳، تهران: میزان.
۶. رضوی فرد، بهزاد و نوروزی، میثم (۱۳۹۶). نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه و تحول حقوق بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری. اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران.
۷. ساعد، نادر (۱۳۸۶). *حقوق بشردوستانه و سلاح‌های هسته‌ای*. تهران: شهر دانش.
۸. سیاه‌رستمی، هاجر (مترجم). *قواعد اساسی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷*. تهران: نشر سرسم به سفارش دبیرخانه کمیته حقوق بشردوستانه.
۹. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل هسته‌ای*. تهران: شهر دانش.
۱۰. سمولرز، آلت و هاومن، رولف (۱۳۹۶). *جرم‌شناسی فراملی: به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*. ترجمه گروهی از پژوهشگران علوم جنایی و به کوشش حمیدرضا نبکوکار و با دیباچه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: میزان.
۱۱. شاه‌حسینی، محمدحسن (۱۳۸۱). *دفاع در برابر جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم*. ج ۱ و ۲، تهران: سازمان تحقیقات نیروهای مقاومت بسیج.
۱۲. دورمن، کنوت؛ دوسوالدبک، لوپس و لوپ، رابرت (۱۳۹۳). *عناصر جنایات جنگی در اساسنامه دیوان بین‌المللی*

- کیفری. ترجمه زهرا جعفری؛ زهرا محمودی و پریسا سفیدپری، تهران: مجد.
۱۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. چ سوم، تهران: گنج دانش.
۱۴. کریانگ ساک، کیتی شیازری (۱۳۸۳). *حقوق بین‌المللی کیفری*. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۵. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۵). *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*. تهران: دادگستر.
۱۶. موسوی، سیدفضل‌الله و چهل‌تنی، مهدی (۱۳۹۰). موازین حقوقی در منع دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های زیستی در مجموعه مقالات تروریسم، آسیب‌شناسی، بازیگران و ساختارها. تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی.
۱۷. نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. واحدی، قدرت‌اله (۱۳۸۹). *حقوق بین‌المللی کیفری*. تهران: جنگل.

(ب) مقالات

۱۹. آرش‌پور، علیرضا و جعفری، سیده‌منیژه (۱۳۹۴). نقش مسئولیت حمایت در تضمین امنیت انسانی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲(۱۸)، ۸۵-۱۰۲.
۲۰. البرزی‌ورکی، مسعود (۱۳۸۳). نقد و بررسی نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۱(۲۱)، ۵-۸۸.
۲۱. باباخانی، عطیه (۱۳۸۷). جامعه بین‌المللی و مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور. *مجله حقوقی*، ۳۸(۲۵)، ۱۴۱-۱۸۴.
۲۲. جاوید، احسان و نیاورانی، صابر (۱۳۹۲). قلمرو حق سلامتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۴۱(۱۵)، ۴۷-۷۰.
۲۳. خالقی، ابوالفتح و نبوی، نعمت‌الله (۱۳۹۴). به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و اسلام. *فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۴(۲)، ۱۹-۴۲.
۲۴. سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۱). جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حال ظهور. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۱(۱)، ۶۱-۹۶.
۲۵. فلاحی، فاطمه؛ مستقیمی، بهرام؛ آل کجباف، حسین و حیدری، بهاره (۱۳۹۴). بررسی مفهوم سلامت در نظریه امنیت انسانی. *فصلنامه اخلاق زیستی*، ۱۵(۵)، ۱۲۷-۱۶۲.
۲۶. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۰). روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۹(۱)، ۴۳-۱۱۷.
۲۷. فلاح‌سیاه‌خاله‌سر، احمد و فضایی، مصطفی (۱۳۹۸). عقیم‌سازی اجباری مصداقی از جرم جنایت علیه بشریت در پرتو رویه دادگاه ویژه رواندا. *فصلنامه علمی تخصصی مجله حقوقی دانشگاه اصفهان*، ۹(۶)، ۱۰۵-۱۴۸.
۲۸. نعمتی، عطیه (۱۳۹۹). بررسی جنایات ضدبشریت در حقوق بین‌الملل. *فصلنامه علمی - حقوقی قانون*

یار. ۱۴ (۴)، ۱۳۳-۱۴۹.

۲۹. ورله، گرهارد (۱۳۸۷). جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر. ترجمه امیرسعد و کیل. مجله حقوقی

بین‌المللی، ۳۹ (۲۵)، ۵۹-۱۰۰.

۳۰. هاومن، رولف و سمولرز، آلت (۱۳۹۶). به‌سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی. ترجمه امیر پاک‌نهاد، در

جرم‌شناسی فراملی: به‌سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، ۳۲-۶۹.

۳۱. یکرنگی، محمد و واحدی، مجتبی (۱۳۹۸). راهبردهای نظام سیاست‌گذاری کیفی ایران و بین‌الملل در مقابله

با تهدیدهای امنیتی بیوتروریسم. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۳ (۲۲)، ۱۵۹-۱۸۴.

۲. انگلیسی

A) Book

1. Bantekas, I., & Susan, N. (2007). *International Criminal Law*. Third Edition, London: Routledge, Cavendish.
2. Bassiouni, C. (1999). *International Criminal Law*. Vol.1. (Ardsley.NY: Transnational Publishers)
3. Cassese, A. (2008). *International Criminal Law*. Second Edition, London: OXFORD University Press.

B) Article

4. Bein, P., & Parker, K. (2003). Uranium Weapons Cover-Ups-A. Crime against Human Kind. January 2003. available in: ([http:// www.stopnato.org.uk/du-watch/bein/hamburg.htm](http://www.stopnato.org.uk/du-watch/bein/hamburg.htm) - 579k).

C) Instrument

5. Convention on the Prohibition of the Development. Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on their Destruction. 10 April 1972.
6. Convention (II) with Respect to the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague. 29 July 1899.
7. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague. 18 October 1907.
8. International Court of Justice. Legality of the Threat or use of Nuclear Weapon. Advisory Opinion of 8 July 1996.
9. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949. and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I). 8 June 1977.
10. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949. and relating to the Protection of Victims of Non-International Armed Conflicts (Protocol II). 8 June 1977.
11. The Statute of International Criminal Court. Rome.1998.